

گل خیال ترا عاشقانه بر کشیدم

بسی زیارت تو مست رفته نوشیدم

نیامری و ندیدم ترا دلی ای دوست

بدون تو همه جا برستم - خوشیدم

سلام صلح جهان را تو خوانی آفرین

شراب شعر تو را شاعرانه نوشیدم

X X

چقدر یاد ری بهم آشنا شدیم ای دوست

چه درازم حجران ره ها شوم ای دوست

تو خوشترایی دمن عاشق رفدانه خلق

براه مردم دلخون فغانم ای دوست

تو دوری از وطن در بیقرار ایرانی

نبییم آه که از هم جدا شدیم ای دوست

X X

دلم بسینه بیادت همواره می لرزد

چه مامرها نه فرستم دلی بتو رسید

لا اله الا الله ما اعلمنا انهم اوجه غریبا بود

تو جادوانه بهمانی بسوق صبح سپید

قسم بحجرت شعر تو در هاست تو

برادر داری و ایمان نرد در دیده تو دید

X X

بهر بانی کاره بل بگانه سلام

هر داده از من آزرده دل به تراله سلام

چه در رفان غزلی است نماند ای گل

زبان حال زنی خوش بیان و سکو نام

X X

غروب عمر تو را هر سد مرا ای کاش

شهر تر باش دایران و غم سرخ پیام

در دمن به حضور تمام یارانت

به دستان و عزیزان جان نماند

به بیدلان نماند عاشقان اسیر

شاعران سلحشور ملک ایران

چو در خیم هم بر روی یار من باشی

سپاه بر تو و مهربان رفیقان

ایران باقری دایران

نوست در دستار شما

تران فروردین ۸۱